

جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای، شماره ۲۸، پاییز ۱۳۹۷

وصول مقاله: ۱۳۹۶/۶/۴

تأیید نهایی: ۱۳۹۷/۲/۷

صفحات: ۶۹ - ۹۰

## تحلیلی بر نقش بازارچه‌های مرزی در زیست‌پذیری نواحی روستایی (مورد شناسی: دهستان‌های خاوومیر آباد و دزلی در غرب استان کردستان)

دکتر سعدی محمدی<sup>۱</sup>، هیمین هوشنگی<sup>۲</sup>

### چکیده

دستیابی به زیست‌پذیری و ارتقای قابلیت زندگی در نواحی روستایی در گرو اجرای برنامه‌های توسعه‌ای با تکیه بر توانمندی‌های بومی و محیطی است تا بتواند برای تعالی روستاییان، محیط روستایی را به محیطی جذاب و مطلوب برای زندگی تبدیل کند. در این راستا، در پژوهش حاضر به بررسی اثرات ایجاد بازارچه‌های مرزی به‌عنوان نهادهای اقتصادی که به‌منظور بهره‌گیری از پتانسیل تجارت نواحی مرزی تأسیس می‌شوند، بر روی ارتقای سطح قابلیت زیست‌پذیری نواحی روستایی مرزی دهستان‌های خاوومیر آباد و دزلی واقع در استان کردستان پرداخته می‌شود. این پژوهش توصیفی-تحلیلی، به‌منظور مقایسه وضعیت زیست‌پذیری محیط‌های روستایی در دو دوره قبل و بعد از تأسیس بازارچه‌های مرزی انجام گرفته است و داده‌های آن از منابع اسنادی و میدانی مبتنی بر مصاحبه، مشاهده و توزیع پرسشنامه در میان ۲۶۰ نفر از سرپرستان خانوار روستاهای نمونه که از طریق فرمول کوکران از حجم جامعه به میزان ۴۰۳۲ خانوار تعیین شدند، حاصل آمده است. تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده از طریق آزمون‌های آمار استنباطی (تی‌دو نمونه‌ای، تحلیل مسیر و رتبه‌ای فریدمن) حاکی از این واقعیت است که بازارچه‌های مرزی تأسیس شده موجب ارتقای سطح قابلیت زیست‌پذیری روستاهای مورد مطالعه نسبت به دوره قبل از تأسیس شده‌اند و از سویی دیگر نیز در میان ابعاد چهارگانه زیست‌پذیری (اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و محیطی)، این بُعد اقتصادی است که بیشترین تأثیر را در افزایش فضای زیست‌پذیر روستاها داشته است. همچنین شاخص بهبود وضعیت مساکن روستایی، ارزش زمین‌های روستا و افزایش درآمد روستاییان نیز دارای بیشترین اثرپذیری و بهبود وضعیت به‌دنبال تأسیس بازارچه‌های مرزی و فعالیت مردم محلی در آن‌ها هستند.

کلید واژگان: زیست‌پذیری، بازارچه مرزی، نواحی روستایی دهستان‌های دزلی و خاوومیر آباد.

## مقدمه

زیست‌پذیری یا قابلیت زندگی مفهومی است که مطرح‌شدن آن در دهه ۱۹۸۰، نشان از تغییر جهت برنامه‌ریزان توسعه از تمرکز بر روی مناطق شهری به توجه به ایده‌آل کردن فضای زندگی مناطق حومه و نواحی روستایی است (VanZerr, 2011:2)؛ بنابراین رویکرد قابلیت زندگی (زیست‌پذیری) می‌تواند به‌عنوان کاتالیزوری برای تجدید قوای جوامع روستایی و شهرهای کوچک عمل کند (Faiz, 2012:6). قابل زیست بودن، به مکانی اطلاق می‌شود که شرایط خوب اقتصادی، اجتماعی، محیطی، روانی و پیشرفت شخصی همه ساکنان در آن فراهم باشد. در روستاهای قابل‌زیست، زمینه‌های همیاری، مشارکت در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی‌ها بالاست. همچنین امکانات و خدمات استاندارد برای زندگی در این روستاها فراهم است (صادق‌لو و سجاسی قیداری، ۱۳۹۳:۳۸). به‌منظور تحقق این امر، دولت‌ها موظف هستند با انجام برنامه‌ریزی‌های روستایی و توسعه روستاها، فضای زندگی مناسب و شایسته ساکنان روستا را فراهم کنند تا از این طریق روستاییان نیز فرصت زندگی و رشد و توسعه را داشته باشند. ایجاد زندگی مطلوب و متعال روستاییان، نیازمند اجرای طرح‌های توسعه روستایی در کشور است. این طرح‌ها باید با متناسب‌بودن با قابلیت‌های نواحی روستایی بتوانند مسائل و مشکلات موجود در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، محیطی و کالبدی را برطرف کنند تا فضای شایسته و قابل‌زیست روستاییان حاصل شود (ربیعی‌فر، ۱۳۹۴:۷۹). در این بین، نواحی روستایی مرزی کشور به‌دلیل تسلط دیدگاه‌بخشی و تمرکزگرا، در اختصاص خدمات و امکانات و بهره‌مندی نابرابر از مواهب توسعه با معضلات اقتصادی، اجتماعی، محیطی و کالبدی زیادی روبه‌رو هستند که پیامد آن‌ها نامناسب‌بودن فضای روستاها در جهت زندگی و در نتیجه مهاجرت گسترده روستاییان است. یکی از پتانسیل‌های بالقوه مناسب و مؤثر نواحی مرزی که توانایی پویاکردن اقتصاد این نواحی و حرکت آن‌ها در

مسیر ایجاد محیطی زیست‌پذیر را دارد، توسعه مبادلات و تجارت مرزی به شیوه‌ای قانونمند، هدفمند و تسهیل‌شده در قالب تأسیس بازارچه‌های مرزی است. تأسیس بازارچه‌های مرزی به‌عنوان راهبردی که موجب پویایی و تنوع‌بخشی اقتصاد روستایی می‌شود، توانایی حل بسیاری از معضلات کنونی روستاهای مرزی و حرکت آن‌ها در مسیر توسعه و ایجاد فضای شایسته و زیست‌پذیر را دارد (طیبنیا و منوچهری، ۱۳۹۵: ۱۵۳). در این راستا در شهرستان‌های مرزی استان کردستان، به‌عنوان یکی از استان‌های مرزی و استراتژیک کشور که دارای جمعیت روستانشین فراوان و در عین حال فقیر با سطح نازل معیشت و در نتیجه فضاهای روستایی با سطح زیست‌پذیری نامطلوبی است، بازارچه و گمرکاتی در جهت ارتقای سطح معیشت روستاییان تأسیس شده‌است. مریوان و سروآباد دو شهرستان واقع در غرب استان کردستان و دارای بازارچه‌های مرزی در نواحی روستایی‌شان هستند. محل قرارگیری بازارچه‌های تأسیس‌شده این شهرستان‌ها، واقع در دو دهستان مرزی خاوومیرآباد در شهرستان مریوان و دهستان دزلی در شهرستان سروآباد است. فاصله از مرکز و راندمان پایین تولیدات کشاورزی، موجب گسترش فقر، بیکاری و در نتیجه کاهش استانداردهای زندگی، سطح معیشت و نامطلوب‌بودن سطح زیست‌پذیری و قابلیت زندگی در روستاهای این دو دهستان شده‌است که پیامد مهم آن مهاجرت‌های گسترده به شهر مریوان و شهرهای خارج از استان و در نتیجه کاهش جمعیت روستاها در دوره‌های آماری گذشته بوده‌است. در راستای حل این معضلات و ارتقای سطح معیشت روستاییان فقیر این دهستان‌ها که دیگر کشاورزی با توجه به افزایش جمعیت و محدودبودن اراضی پاسخگوی تأمین نیازها و استانداردهای زندگی‌شان نیست و با توجه به اینکه موقعیت جغرافیایی و همسانی شرایط فرهنگی و اجتماعی با مردمان آن سوی مرز، وضعیت مطلوبی را در جهت ایجاد بازارچه مرزی رقم زده‌است، برنامه‌ریزان توسعه منطقه‌ای و کشوری اقدام به تأسیس

جمع‌آوری اطلاعات و رصد محله‌های شهر ملبورن به لحاظ شاخص‌های زیست‌پذیری و پایداری و سلامت اجتماعی به این نتیجه می‌رسد که محله‌های این شهر به دلیل آمار جرم و جنایت اندک، تعامل بین محله‌ای و مشارکت ساکنان در بُعد اجتماعی، وجود زیرساخت‌ها و خدمات و امکانات مناسب، امن بودن و عدم آلودگی و تعامل مطلوب با محیط زیست، دارای قابلیت زیست-پذیری مطلوبی هستند.

فایز<sup>۲</sup> (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با عنوان «جاده‌هایی برای معیشت و زیست‌پذیری روستایی»، زیست‌پذیری در نواحی روستایی را تا حد زیادی در گرو وجود خدمات و امکاناتی می‌داند که لازمه آن وجود جاده‌های ارتباطی مناسب است. وی به این نتیجه می‌رسد که جاده ارتباطی مناسب، همانند کاتالیزوری سبب افزایش بهره‌وری زیرساخت‌های روستایی می‌شود و این امر، زمینه‌ساز رفع بسیاری از معضلات محیطی، اقتصادی و اجتماعی فضاهای روستایی شده و در نتیجه موجب افزایش زیست‌پذیری آن‌ها می‌شود.

ون زر<sup>۳</sup> (۲۰۱۱) در مقاله‌ای با عنوان «کیفیت زندگی و شاخص‌های زیست‌پذیری با تأکید بر شهرهای آمریکا»، شرایط مطلوب زیست‌محیطی، اقتصادی، استفاده مطلوب از زمین و کاربری‌های سازگار، حمل‌ونقل مناسب؛ برابری و عدالت در دسترسی و رفاه اجتماعی را معیارهای قابل سنجش زیست‌پذیری در نواحی شهری برمی‌شمارد.

یگانه و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «ارزیابی اثرات کیفیت مسکن در سرزندگی سکونتگاه‌های روستایی دهستان خاوومیرآباد شهرستان مریوان» به این نتیجه می‌رسند که در روستاهایی که شرایط مسکن، مطلوب ارزیابی شده است، میزان سرزندگی نیز بیشتر بوده و در این میان، بیشترین تأثیر مطلوبیت مسکن بر بُعد سرزندگی اجتماعی نواحی روستایی مورد مطالعه بوده است.

تحلیلی بر نقش بازارچه‌های مرزی در زیست‌پذیری نواحی روستایی ...

بازارچه‌هایی به منظور ارتقای سطح معیشتی و توسعه اقتصادی و اجتماعی روستاییان کرده‌اند. حال مسأله‌ای که در پژوهش حاضر به آن پرداخته می‌شود این است که بازارچه‌های تأسیس شده بعد از چندسال فعالیت، چه تأثیراتی بر فضای زیستی روستاها و ایجاد فضای شایسته زندگی روستاییان این دهستان‌ها داشته است. در این راستا نیز سؤال‌هایی به شرح زیر مطرح می‌شوند:

- آیا وضعیت زیست‌پذیری روستاهای منطقه مورد مطالعه نسبت به دوره قبل از تأسیس بازارچه‌های مرزی، دارای تفاوت معنی‌داری است؟

- از میان ابعاد چهارگانه مورد بررسی (اقتصادی، اجتماعی، محیطی و کالبدی) به دنبال اثرگذاری بازارچه‌های مرزی، کدام بُعد بیشترین تأثیر را بر تغییر وضعیت زیست‌پذیری روستاهای مورد مطالعه داشته است؟

- کدامیک از شاخص‌های مورد سنجش زیست‌پذیری، دارای بیشترین تغییر وضعیت و اثرپذیری از تأسیس بازارچه‌های مرزی هستند؟

- آیا تفاوت معنی‌داری میان سطح زیست‌پذیری روستاهای دو منطقه مورد مطالعه به واسطه اثرپذیری از تأسیس بازارچه‌های مرزی وجود دارد و در صورت وجود تفاوت، آیا این تفاوت سطح زیست‌پذیری را می‌توان با مشخصه‌هایی همچون سهمیه واردات کالای روستاییان، مدت زمان فعالیت و تأسیس بازارچه‌ها، نزدیکی به شهر و تعداد روستاهای دارای سهمیه فعالیت تبیین کرد؟

### پیشینه پژوهش

ویتزمن و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان «قابلیت زندگی، سلامتی و پایداری: با تأکید بر شاخص‌های کلیدی برای زیست‌پذیری محله‌های ملبورن»، در بحث‌های نظری مقاله به تبیین ارتباط مؤلفه‌های قابلیت زندگی با سلامت شهری و تأثیر آن‌ها در تحقق پایداری می‌پردازند. این مقاله پس از

معنی به کار رفته و سنجیده شده‌اند؛ در حالی که این دو مفهوم در عین شباهت، از هم متفاوت بوده و قابلیت زیست‌پذیری به معنی کیفیت زندگی تجربه‌شده توسط ساکنان، عام‌تر و دربرگیرنده کیفیت زندگی است. به عبارت دیگر، قابلیت زندگی محیط‌ها مجموعه‌ای از فرصت‌ها را در اختیار مردم قرار می‌دهد که مردم نیز می‌توانند با استفاده از آن‌ها سطح مطلوب و رضایت‌بخشی از کیفیت زندگی را برای خود رقم بزنند و به همین علت در پژوهش حاضر علاوه بر معیارهای کیفیت زندگی، سعی شده که معیارها جامع‌تر بوده و قابلیت زیست‌پذیری را مورد سنجش قرار دهند. از سویی دیگر نیز، در اکثر پژوهش‌های مرتبط با اثرگذاری بازارچه‌های مرزی بر نواحی روستایی، تنها تغییرات بُعد اقتصادی مدنظر قرار گرفته شده، در حالی که به دلیل ارتباط و اثرگذاری ابعاد اصلی توسعه به‌ویژه در سیستم معیشتی روستایی از همدیگر، نیاز است که با دیدی جامع‌تر اثرگذاری و اثرپذیری تغییرات شاخص‌های مختلف توسعه به‌واسطه اثرگذاری یک نهاد محرک توسعه‌ای (ازجمله بازارچه مرزی) مورد سنجش قرار گیرد تا بدین ترتیب، نتیجه‌گیری دقیق‌تر و قابل‌اطمینان‌تری حاصل شود که بر این اساس، پژوهش حاضر با دید سیستمی و جامع و با طرح سؤال‌ها و آزمون‌هایی که این ارتباط‌ها را بسنجند، در پی تحقق بخشیدن به این اصل نیز بوده است.

### مبانی نظری

ریشه نظریه زیست‌پذیری، متناسب با تکامل رویکردهای توسعه، اولین بار در نظریه آبراهام مازلو (۱۹۴۵) درباره نیازهای انسانی شکل گرفت. براساس هرم مذکور، انسان‌ها در درجه اول، درصدد رفع نیازهای اساسی خود بوده و سپس برای رفع نیازهای لایه‌های بالاتر تلاش می‌کنند. در ادامه مفهوم جامع کیفیت زندگی در دهه ۱۹۷۰ مطرح شد و در نهایت، نظریه زیست‌پذیری یا قابلیت زندگی به‌عنوان مفهوم اصلی و جایگزین کیفیت زندگی، در دهه ۱۹۸۰ مطرح

صادقو و سجاسی قیداری (۱۳۹۳) در پژوهش خود باعنوان «بررسی رابطه زیست‌پذیری سکونتگاه‌های روستایی بر تاب‌آوری روستاییان در برابر مخاطرات طبیعی نواحی روستایی دهستان مراوه تپه و پالیزان» تأکید می‌کنند که امروزه افزایش تاب‌آوری و قدرت انعطاف‌پذیری با کاهش سطح آسیب‌پذیری نواحی روستایی از عوامل مهم زیست‌پذیر کردن نواحی روستایی به‌شمار می‌رود. در این راستا نیز رابطه این دو مؤلفه در روستاهای تحت تأثیر خطر سیل در اطراف رودخانه اترک با استفاده از روش پرومته و همبستگی، مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج پژوهش، گویای این واقعیت است که ارتباط مستقیم و مثبتی میان سطح تاب‌آوری با قابلیت زیست‌پذیری نواحی روستایی وجود دارد.

عیسی‌لو، بیات و بهرامی (۱۳۹۳) در مقاله خود باعنوان «انگاره زیست‌پذیری رهیافتی نوین در جهت ارتقای کیفیت زندگی در جوامع روستایی (مطالعه موردی: شهرستان قم، بخش کهک)» به این نتیجه می‌رسند که شاخص‌های اقتصادی نظیر شغل، سطح درآمد، میزان پس‌انداز و... در میان سایر معیارها تأثیر بسزایی در تعیین میزان زیست‌پذیری در نواحی روستایی بخش داشته‌است. بررسی مقایسه‌ای تفاوت سطح زیست‌پذیری روستاها نیز نشان می‌دهد که در روستاهایی که دارای جمعیت، خدمات و امکانات بیشتری هستند؛ سطح زیست‌پذیری بالاتری نسبت به روستاهای با جمعیت و خدمات و امکانات کمتر وجود دارد.

اسماعیلی (۱۳۹۲) در پایان‌نامه خود باعنوان «ارزیابی اثرات ایجاد بازارچه‌های مرزی بر توسعه پایدار اقتصادی روستاهای پیرامون آن‌ها (نمونه مورد مطالعه: دهستان نور، شهرستان بانه)»، به این نتیجه می‌رسد که بازارچه در ایجاد رفاه نسبی برای منطقه تا حدودی مفید عمل کرده و تغییرات مثبتی را در اقتصاد معیشتی مردم مرزنشین پدید آورده‌است.

در این میان در بسیاری از پژوهش‌های پیشین، قابلیت زیست‌پذیری (قابلیت زندگی) با کیفیت زندگی به یک

سجاسی قیداری، ۱۳۹۳:۳۸). قابلیت زندگی در جامعه توسط مجموعه ویژگی‌های فیزیکی و اجتماعی قابل لمس تعریف می‌شود، به مانند داشتن محیط زیستی سالم در کنار محیط انسان‌ساختی که با در اختیار گذاشتن پتانسیل‌های اقتصادی، مسکن مناسب و خدمات موردنیاز، کیفیت زندگی مطلوبی را برای افراد جامعه رقم بزند (Gough, 2015: 147). سرزندگی و زیست‌پذیری در نواحی روستایی مفهوم گسترده‌ای است که به توانایی‌های نواحی روستایی به‌منظور غلبه بر مشکلات و مسائل موجود همانند کاهش چشم‌گیر تولیدات کشاورزی و همچنین به تداوم کارکردهای روستایی به‌عنوان نهادی نسبتاً مستقل که بدون پشتیبانی‌های بیرونی قابل ملاحظه به بقای خود ادامه می‌دهد، اشاره دارد. در یک مفهوم دیگر، زیست‌پذیری و سرزندگی نواحی روستایی می‌تواند به‌عنوان فرایند ظرفیت‌سازی با هدف توسعه اقتصادی و مفهومی که هر دو مقوله رشد و توزیع را شامل می‌شود، بیان شود (یگانه و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۲-۱۱۱). زیست‌پذیری دارای یک سکه دو رو است: روی اول آن معیشت و روی دوم آن پایداری بوم‌شناختی است (خراسانی، ۱۳۹۳: ۴). مفهوم معیشت در هیئت مشورتی و نظارتی کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه (۱۹۸۷) مطرح و به‌عنوان دسترسی کافی و جریان مناسب غذا، منابع مالی برای برطرف کردن نیازهای اساسی بشر تعریف شده است (Anderson, 2001: 5). تأمین معیشت روستاییان به‌عنوان اصل اساسی فضای قابل‌زیست، باید در فضای زیست‌پذیر، پایدار باشد؛ به معنی اینکه توانایی مقابله با بحران‌ها، شوک‌ها و استرس‌های ناگهانی را بدون تضعیف منابع و دارایی‌هایش به‌ویژه دارایی‌های طبیعی که در عرصه‌های روستایی تعیین‌کننده هستند و هویت روستا را شکل می‌دهند؛ در زمان حاضر و آینده داشته‌باشد (Fouracre, 2001: 3) و تحقق این امر نیز، در محیط‌های روستایی با بهره‌گیری از توانمندی‌ها و پتانسیل‌های موجود است (Bearden, 2014: 4). در این راستا نیز، تمرکز بر روی پتانسیل‌ها و توانمندی‌های

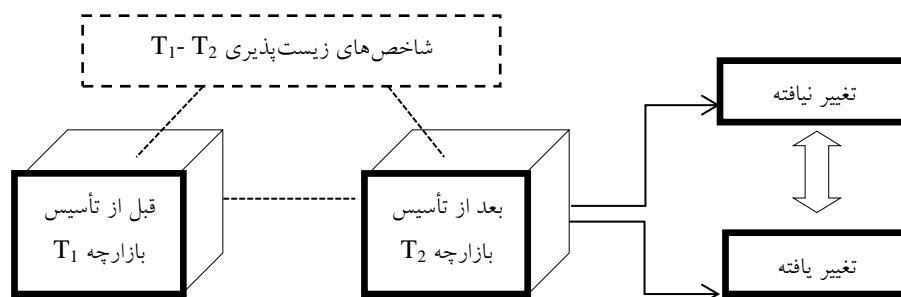
تحلیلی بر نقش بازارچه‌های مرزی در زیست‌پذیری نواحی روستایی ... شد. زیست‌پذیری مفهومی گسترده و پیچیده است که کیفیت زندگی در مرکز آن قرار می‌گیرد (رضوانی و خراسانی، ۱۳۹۲: ۱؛ غفاری و امید، ۱۳۸۹: ۵۶). زیست‌پذیری به‌عنوان کیفیت زندگی تجربه‌شده توسط ساکنان یک منطقه تعریف می‌شود (حبیبی و همکاران، ۲۰۱۳: ۵). زیست‌پذیری مفهومی پیچیده و چندبعدی است (Appleyard, 2013: 3) و همین امر سبب شده تا به‌سختی بتوان سطح زیست‌پذیری یک ناحیه را مورد ارزیابی قرار داد. به عبارتی دیگر، دخالت مؤلفه‌های متنوع اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست‌محیطی از یک سو و برداشت‌های مختلف مردم از مفهوم زیست‌پذیری از سوی دیگر، سبب پیچیدگی و درک دشوار این مفهوم شده است (ایراندوست و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۶). توافق عمومی در ارتباط با مفهوم زیست‌پذیری در جامعه؛ تنوع امکانات و خدمات و دسترسی مردم جامعه به آن‌هاست (Gough, 2015: 148). از دیدگاه جامعه‌شناسان، جامعه‌ای قابلیت زندگی و زیست‌پذیری را دارد که دارای محیطی امن و ایمن، خدمات و امکانات کافی، تعامل، تعادل و تحرک اجتماعی است (Marp, 2012: 1). در واقع تأکید اصلی متخصصان جامعه‌شناسی در فضای قابل زندگی، بر سرزندگی اجتماعی و در مفهومی کلی‌تر رفاه اجتماعی برای نسل فعلی و آینده مردمی است که در آن فضا زندگی می‌کنند (Vanzerr, 2011: 1). از دیدگاه سازمان بهداشت جهانی و متخصصان بهداشت و سلامت، فضایی قابلیت‌زیستن دارد که افراد ساکن آن دارای سلامت جسمی، روانی و اجتماعی بوده و در نتیجه این امر، عمر مفید بالاتر رفته و ناتوانی و بیماری کاهش یابد (Whitzman & et al, 2013: 1). از دیدگاه متخصصان عرصه اقتصادی نیز، مکانی دارای قابلیت زیست‌پذیری است که دارای جذابیت سرمایه‌گذاری و فضای مناسب کسب‌وکار باشد (Woolcock, 2012: 6)؛ بنابراین به مکانی قابل‌زیست اطلاق می‌شود که شرایط خوب اقتصادی، اجتماعی، محیطی، روانی و پیشرفت شخصی همه ساکنان در آن فراهم باشد (صادق‌لو و

روستایی کم‌رنگ می‌کند. به‌علاوه بازارچه مرزی به‌عنوان یک کارکرد مکمل فعالیت‌های کشاورزی می‌تواند زمینه را برای کاهش وابستگی و بهره‌برداری بیش از حد از زمین و منابع طبیعی روستایی فراهم آورد و از سویی دیگر، موجب افزایش امنیت غذایی مردمان روستایی مناطق مرزی شود. در واقع تأسیس بازارچه‌های مرزی به‌عنوان راهبردی که موجب پویایی و تنوع‌بخشی اقتصاد روستایی می‌شود، توانایی حل بسیاری از معضلات کنونی روستاهای مرزی، قابل زیست کردن محیط‌های روستایی و درنهایت، حرکت آن‌ها در مسیر توسعه را دارند (طیب‌نیا و منوچهری، ۱۳۹۵: ۱۵۴) و می‌توانند با ایجاد رشد همراه با عدالت اجتماعی در محیط‌های روستایی منزوی و محروم مرزی، زمینه‌های ایجاد فضای قابل‌زیست و شایسته ساکنان را فراهم کنند (ظفری و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳۰).

### روش تحقیق

تحقیق حاضر از لحاظ هدف، کاربردی است و به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. برای ارزیابی تأثیر تأسیس و رونق بازارچه بر شاخص‌های زیست‌پذیری نواحی روستایی از طرح پانل گذشته‌نگر استفاده شده است؛ به این معنی که میزان تغییرات شاخص‌های کیفیت زیست‌پذیری روستاهای مناطق مورد مطالعه در دوره‌های قبل از تأسیس  $T_1$  و بعد از تأسیس بازارچه‌های مرزی  $T_2$  ارزیابی و سنجیده شده است.

مناطق روستایی مرزی در جهت بهره‌گیری از آن‌ها به‌منظور تحقق سطح مطلوب معیشت و ایجاد محیط قابل‌زیست، ضرورتی انکارناپذیر است. در این میان، قانونمند کردن تجارت این نواحی در قالب بازارچه‌های مرزی، راهکاری بی‌بدیل در راستای ایجاد فضای قابل‌زیست و درنهایت، پایداری توسعه نواحی روستایی مرزی خواهد بود. بازارچه مرزی محوطه‌ای است محصور، واقع در نقطه صفر مرزی و در جوار گمرکات مجاز به انجام تشریفات ترخیص کالا یا مکان‌هایی که طبق تفاهم‌نامه‌های منعقدشده بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای همجوار تعیین می‌شود (کهنه‌پوشی و عنابستانی، ۱۳۹۱: ۹). با توجه به اینکه بازارچه‌های مرزی می‌توانند تحولی بنیادین در تولید، اشتغال و تثبیت جمعیت، افزایش درآمد، جلوگیری از قاچاق (کهنه‌پوشی و جلالیان، ۱۳۹۲: ۶۸) و توسعه امنیت، تأمین هزینه‌های ایجاد زیرساخت‌ها اقتصادی و اجتماعی و آسایش ساکنان محلی ایجاد کند؛ به‌عنوان یکی از پتانسیل‌های عمده رفع تبعیض و توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق محروم مرزی مطرح هستند (ابراهیم‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۶). تأسیس بازارچه‌های مرزی، زمینه‌ساز توسعه‌ای از پایین، افقی و درونزا خواهد بود. اقتصاددان‌ها بر این باورند که بازشدن مرزهای کشورهای همسایه بر روی یکدیگر و گسترش فعالیت‌های اقتصادی از طریق تجارت در بازارچه‌های مرزی، روند رشد و توسعه آن‌ها را سرعت بخشیده و فقر و بیکاری را به‌عنوان موانع اصلی تحقق توسعه



شکل ۱. طرح پانل گذشته‌نگر

(منبع: نویسندگان، ۱۳۹۶)

خانوار به‌دست آمد که با اعمال فرمول کوکران ۲۶۰ سرپرست خانوار به‌عنوان جامعه نمونه تعیین شدند. در ادامه با توجه به گستردگی منطقه، دشواری دسترسی و از سویی دیگر اینکه همه روستاهای هر دهستان شرایط مشابه یعنی سهمیه‌ای یکسان، از نفع‌بری و فعالیت در بازارچه‌ها داشتند، از دهستان خاوومیرآباد ۱۵ درصد کل روستاها یعنی ۵ روستا و در دهستان دزلی نیز ۴ روستایی که اجازه حضور و فعالیت در بازارچه را داشتند، به‌عنوان روستاهای نمونه انتخاب شدند و در ادامه با استفاده از نمونه‌گیری منطبق، سهم هر روستا از تعداد کل پرسشنامه‌ها مشخص شده و پرسشنامه‌ها به‌صورت تصادفی ساده در میان سرپرستان خانوار روستاهای نمونه توزیع شدند. لازم به ذکر است، انتخاب ۵ روستای نمونه دهستان خاوومیرآباد نیز به‌صورت تصادفی و براساس روش قرعه‌کشی انجام گرفته است.

در پژوهش حاضر، به‌منظور گردآوری اطلاعات در بخش نظری از منابع اسنادی و در بخش میدانی از روش پیمایش و ابزارهای آن یعنی توزیع پرسشنامه و سپس مشاهده و مصاحبه با مردم محلی در جهت تبیین پاسخ‌های ارائه‌شده، بهره گرفته شده است. جامعه آماری این پژوهش، خانوارهای ساکن در دو دهستان خاوومیرآباد در شهرستان مریوان و دهستان دزلی در شهرستان سروآباد می‌باشند که دارای بازارچه مرزی هستند. وضعیت فعالیت در بازارچه در بین روستاهای دو دهستان مورد مطالعه بدین صورت است که در دهستان خاوومیرآباد ۳۱ روستا و در دهستان دزلی ۴ روستا در بازارچه مشغول به فعالیت هستند. بدین ترتیب با توجه به اینکه سرپرستان خانوار، واحدهای تحلیل این پژوهش هستند، با جمع کردن تعداد سرپرستان خانوار دو دهستان که در دهستان خاوومیرآباد ۲۷۳۶ و در دهستان دزلی ۱۲۹۶ خانوار ساکن هستند، مجموع تعداد کل خانوارها ۴۰۳۲

جدول ۱. روستاهای نمونه و توزیع تعداد کل پرسشنامه‌ها در بین آن‌ها در دهستان‌های مورد مطالعه

دهستان‌ها	نام روستا	تعداد خانوار	تعداد پرسشنامه‌های تعلق‌گرفته
خاوومیرآباد (مریوان)	ده زوران	۷۰	۹
	ساوجی	۲۷۳	۳۵
	سعدآباد	۸۷	۱۱
	برده رشه	۱۹۸	۲۴
دزلی (سروآباد)	سیف سفلی	۱۰۴	۱۳
	دزلی	۶۸۸	۸۵
	دره ناخی	۱۲۹	۱۶
	دمیو	۱۱۱	۱۳
جمع	۹	۲۰۸۵	۲۶۰

(منبع: نویسندگان، ۱۳۹۶)

با توجه به مطالعات پیشین و شرایط منطقه، قابلیت زیست‌پذیری روستاهای مورد مطالعه در قالب ۴ بُعد اقتصادی، اجتماعی، محیطی و کالبدی، دربرگیرنده ۱۶ شاخص و ۵۱ متغیر مورد بررسی قرار گرفت. برحسب روابط متغیرها، متغیر مستقل این پژوهش، اثرگذاری بازارچه‌های مرزی و متغیر وابسته نیز، قابلیت زیست‌پذیری روستاهای مورد مطالعه است (جدول ۲).

روایی ابزار اندازه‌گیری با تأیید متخصصان و آگاهان دانشگاهی که دارای سابقه مطالعات مشابه در منطقه بودند و نیز پایایی پرسشنامه‌ها با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰.۷۶ مورد تأیید قرار گرفتند. برای تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری‌شده، از شاخص میانگین و آزمون‌های استنباطی T زوجی، ویلکاکسون و تحلیل مسیر بهره گرفته شده است. در این پژوهش

جدول ۲. ابعاد، شاخص‌ها و متغیرهای مورد سنجش زیست‌پذیری روستاها به دنبال اثرگذاری بازارچه‌های مرزی

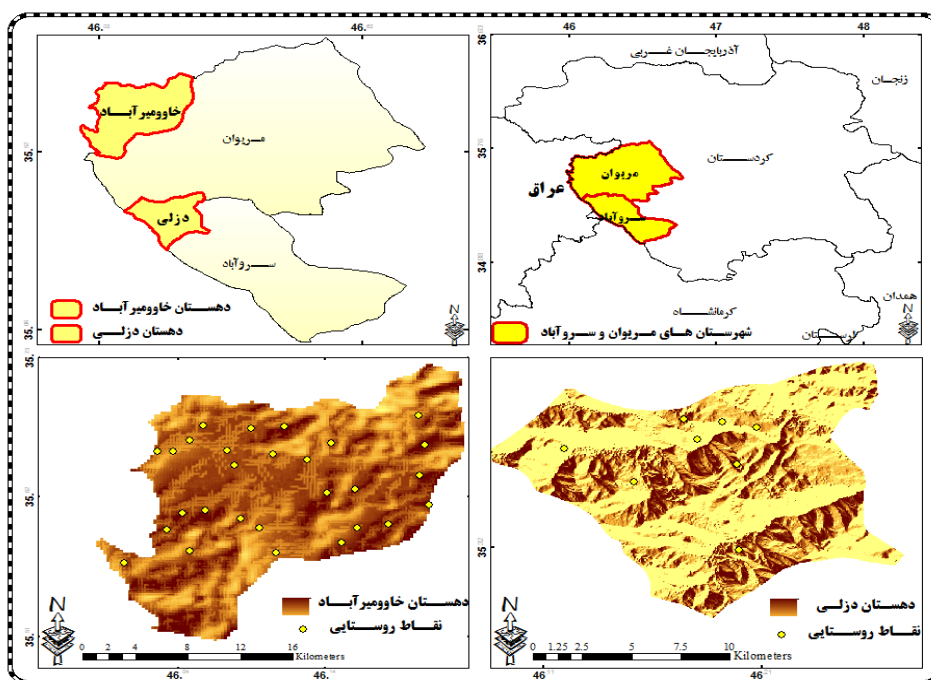
متغیرها	شاخص‌ها	ابعاد	زیست‌پذیری نواحی روستایی
میانگین درآمدهای خانوار، توان تأمین هزینه‌های خانوار، درآمد دهیاری‌ها، میزان پس‌انداز خانوار	درآمد و هزینه	اقتصادی	
افراد شاغل، اشتغال زنان، ارتقای شغلی، توان راه‌اندازی مشاغل	اشتغال	اجتماعی	
همکاری روستاییان در فعالیت‌های عمرانی روستا، انجام فعالیت‌های اقتصادی مشترک، مشارکت در امور خیریه	مشارکت		
توزیع منافع به صورت منصفانه (شهری و روستایی)، سطح تحصیلات، کاهش نابرابری‌های اقتصادی درون روستاها، کاهش احساس فقر	برابری		
امکان تهیه امکانات و وسایل بهداشتی (فردی، خانوادگی)، مصرف هفتگی مواد پروتئینی، لبنی و میوه، رضایت از وضعیت تغذیه، توان تأمین و پرداخت هزینه‌های بهداشت و درمان	تغذیه و بهداشت فردی و خانوادگی		
تمایل به گذراندن اوقات فراغت در روستا، اعتقاد به زندگی در روستا به عنوان محل مناسب سکونت، ترجیح دادن سرمایه‌گذاری و راه‌اندازی کسب‌وکار در روستا نسبت به شهر	تعلق خاطر به روستا و روستایی بودن		
کاهش میزان جرم‌های فردی، امنیت شغلی (فصلی نبودن) و درآمد، کاهش فضاهای ترسناک عمومی روستا با افزایش ساخت‌وسازها، رضایت از زندگی، رضایت از موقعیت اجتماعی	امنیت (فردی، اجتماعی، اقتصادی)		
دلسوزی اهالی برای آبادانی روستا، روحیه تعاون و همکاری، افزایش تمایل کمک مالی به یکدیگر	همبستگی و انسجام اجتماعی		
زیبایی چشم‌انداز روستا، عدم تخریب اراضی طبیعی	کیفیت بصری	محیطی	
بهبود سیستم‌های دفع فاضلاب، دیپوی فضولات حیوانی و جمع‌آوری زباله‌های از سطح روستا (تأمین هزینه‌ها از منافع بازارچه)	آلودگی محیطی		
برداشت از زمین‌های زراعی و رونق محصولات باغی، رونق دامداری (تعداد و تنوع دام‌ها)	کشاورزی	کالبدی	
کیفیت خدمات و امکانات فراغتی (فضای سبز، ورزشی، کتابخانه و...)، تجهیزات مدارس (با خودیاری مردم محلی)، تعداد مغازه‌های خرده‌فروشی سطح روستاها، توان بهره‌گیری از رسانه‌ها و نوآوری‌ها، ماشین شخصی، ابزارآلات کشاورزی (تراکتور، کمباین، موتور برق و...)	خدمات، امکانات و زیرساخت‌ها		
استحکام مسکن، ساخت مسکن نوساز، امکانات گرمایشی و سرمایشی مناسب مسکن، چندکارکردی بودن مسکن	مسکن		
ارزش (اقتصادی) زمین‌های کشاورزی روستا، ارزش زمین‌های مسکونی	زمین		

(منبع: جمعه‌پور و تهرانی، ۱۳۹۲؛ اسماعیل‌زاده، ۱۳۹۲؛ حکیم‌دوست و همکاران، ۱۳۹۵؛ رضوانی و خراسانی، ۱۳۹۲؛ صادقلو و سجاسی قیداری، ۱۳۹۳؛ غفاری و امید، ۱۳۸۹؛ طیب‌نیا و منوچهری، ۱۳۹۵؛ Fouracre, 2001؛ Woolcoc, 2012؛ Gough, 2015).

### معرفی منطقه مورد مطالعه

دهستان‌های دزلی و خاوومیرآباد در شهرستان‌های سروآباد و مریوان استان کردستان در غرب کشور و در همسایگی کشور عراق واقع شده‌اند. با توجه به نزدیکی به مرز و قرابت‌های فرهنگی و اجتماعی با مردمان آن

سوی مرز، از دیرباز در این مناطق فعالیت‌های تجاری انجام می‌گرفته که هم‌اکنون بعد از دوره‌ای رکود و تعطیلی به شیوه‌ای هدفمند و قانونی در قالب بازارچه‌های مرزی در این دو دهستان از سر گرفته شده است.



شکل ۲. نمایش موقعیت منطقه مورد مطالعه

(منبع: نویسندگان، ۱۳۹۶)

### یافته‌های پژوهش

در ابتدا مقایسه وضعیت دوره قبل و بعد شاخص‌ها و ابعاد مورد بررسی قابلیت زیست‌پذیری روستاها با استفاده از آزمون t زوجی در (جدول ۳) آورده شده است.

### بُعد اقتصادی

در بُعد اقتصادی، اثرگذاری بازارچه بر روی هر دو شاخص درآمد و هزینه و اشتغال در سطح معنی‌داری ۰,۰۱ تأیید شده و با توجه به اختلاف میانگین‌ها، این شاخص هزینه و درآمد است که به‌دنبال تأسیس بازارچه با بیشترین بهبود وضعیت روبه‌رو بوده است. در این ارتباط در متغیر بهبود درآمدهای خانوار، میانگین برابر با ۴؛ در متغیر توان تأمین هزینه‌های خانوار، میانگین برابر با ۳,۵۰؛ در متغیر درآمد دهیاری‌ها، میانگین ۳,۲۵ و در متغیر میزان پس‌انداز خانوارها، میانگین برابر با مقدار ۳,۶۰ محاسبه شده تا بتوان به اثرگذاری مطلوب بازارچه‌های مرزی در بهبود این متغیرها از شاخص درآمد و هزینه پی‌برد. یافته‌ها نشان می‌دهد با

تأسیس بازارچه‌های مرزی، وضعیت اشتغال روستاییان بهبود یافته‌است؛ به‌گونه‌ای که میانگین محاسبه‌شده برابر با ۳,۷۷ نشان از اثرگذاری مطلوب بازارچه مرزی در بهبود این شاخص دارد. در شاخص اشتغال زنان، میانگین برابر با ۲,۷۲ محاسبه شده است تا بتوان اظهار کرد که تأسیس بازارچه‌های مرزی نتوانسته است موجب افزایش اشتغال زنان شود؛ اما در این بین، روستاییان اظهار می‌داشتند که اگرچه بازارچه به‌صورت مستقیم نتوانسته است برای زنان اشتغال ایجاد کند، اما به‌صورت غیرمستقیم و با فعال‌نمودن مشاغل همچون دامداری، موجب افزایش اشتغال و درآمد زنان شده است. شاخص دیگری که وضعیت آن به‌دنبال تأسیس بازارچه‌های مرزی به‌گونه‌ای رضایت‌بخش، بهبود نیافته است، شاخص ارتقای شغلی روستاییان است که پاسخگویان اظهار می‌داشتند که بازارچه‌های مرزی مشاغل پرسود و معتبرتر، همچون مشاغل خدماتی (پیله‌وری، رانندگی، غرفه‌داری و...) را به‌گونه‌ای رضایت‌بخش ایجاد نکرده و تنها از روستاییان به‌منظور جابه‌جایی کالاها استفاده می‌شود. در مقابل، میانگین محاسبه‌شده برابر با ۳,۱۶، نشان از افزایش

۱- لازم به ذکر است با توجه به محدودیت حجم مقاله، وضعیت مقایسه قبل و بعد وضعیت متغیرها در قالب متن ذکر شده است.

توان نسبی روستاییان، در جهت راه‌اندازی مشاغل جدید دارد. در واقع آنچه که این امر را رقم می‌زند، افزایش درآمد و پس‌اندازهای خانوارهاست که در شاخص درآمد و هزینه به بهبود وضعیت آن‌ها اشاره شد. در مجموع نیز بُعد اقتصادی قابلیت زیست‌پذیری روستاهای مورد مطالعه از وضعیت نامطلوب با میانگین ۲,۷۰ در دوره قبل از تأسیس بازارچه به میانگین رضایت‌بخش ۳,۳۷ در دوره بعد از تأسیس بازارچه ارتقاء یافته است (جدول ۳).

**بُعد اجتماعی**

در بُعد اجتماعی کیفیت زندگی محیط‌های روستایی مورد مطالعه، وضعیت بدین ترتیب است که در همه شاخص‌های مورد بررسی در سطح معنی‌داری ۰,۰۰۱، میانگین دوره بعد از تأسیس بازارچه‌ها و فعالیت مردم محلی در آن‌ها بهتر و بیشتر از دوره قبل از تأسیس بازارچه بوده است. در این میان، شاخص‌های امنیت فردی و اجتماعی و برابری و عدالت فضایی در سطح روستاهای منطقه، دارای بیشترین افزایش میانگین به دست آمده نسبت به دوره قبل هستند. در مجموع نیز با توجه به ارتقای میانگین به دست آمده بُعد اجتماعی قابلیت زیست‌پذیری روستاهای مورد مطالعه از ۲,۸۹ دوره قبل به ۳,۲۶ دوره بعد و ارتقای ۴۷. میانگین در سطح معنی‌داری ۰,۰۰۱ و مقدار مطلوب آماره  $t$  می‌توان با اطمینان ۹۹ درصد بر بهبود وضعیت این بُعد از زیست‌پذیری روستاها نیز به دنبال تأسیس بازارچه‌های مرزی در منطقه پی‌برد. در ارتباط با وضعیت متغیرهای این بُعد به دنبال تأسیس بازارچه، همکاری روستاییان در فعالیت‌های عمرانی و آبادانی روستاها با میانگین ۳,۱۷ به صورت رضایت‌بخشی بهبود یافته است. این امر را می‌توان بازتابی از افزایش رغبت و علاقه روستاییان به محیط روستا و ایجاد انگیزه‌ای دانست که به واسطه لمس آثار اقتصادی بازارچه‌های مرزی ایجاد شده است. از سویی دیگر، روستاییان در سطح متوسطی با میانگین محاسبه شده برابر با ۳,۰۳ معتقد به افزایش انجام فعالیت‌های اقتصادی مشترک بین روستاییان به دنبال تأسیس بازارچه‌ها هستند.

وضعیت شاخص افزایش مشارکت روستاییان در امور خیریه نیز به دنبال تأسیس بازارچه‌ها به دلیل افزایش درآمد ایجاد شده آن‌ها در بین روستاییان بهبود یافته است. دلیل این امر، محاسبه میانگین رضایت‌بخش، برابر با ۳,۴۲ است. بازارچه‌های مرزی توانسته‌اند موجب تأمین منافع مردم محلی به صورت برابر و و منصفانه شوند، در این ارتباط روستاییان با میانگین ۳,۲۳ بر این امر معتقدند. شیوه فعالیت در بازارچه نیز به گونه‌ای است که همه روستاییان دارای فرصتی برابر و سهمیه‌ای مخصوص در جهت ورود کالاها به کشور هستند و میزان درآمد یکسانی نصیب آن‌ها می‌شود. میانگین رضایت‌بخش ۳,۱۴ نشان از اثرگذاری نسبی ایجاد بازارچه‌ها بر افزایش سطح تحصیلات روستاییان دارد. در ارتباط با دلیل تبیین این امر، روستاییان اظهار می‌کردند که هم‌اکنون، توان بیشتری برای حمایت مالی از فرزندان‌شان در جهت ادامه تحصیل دارند. از سویی دیگر، نیازی نیست که بسیاری از جوانانی که پیشتر به دلیل فقر و کم‌خرج شدن خانواده ترک تحصیل می‌کردند، تحصیل کرده و در واقع فرصت‌های بیشتری برای ادامه تحصیل جوانان روستایی ایجاد شده است. شاخص دیگری که در نواحی روستایی ضرورت مطلوبیت آن کاملاً به چشم می‌خورد، کاهش نابرابری‌های اقتصادی است. در منطقه مورد مطالعه روستاییان به دنبال تأسیس بازارچه‌های مرزی با میانگین ۳,۸۰ معتقد به کاهش نابرابری‌های اقتصادی درون روستایی هستند. همان‌طور که گفته شد، روستاییان به صورت برابر از منافع بازارچه سهم می‌شوند. در نهایت برآیند اصلاح، بهبود و تغییر وضعیت مثبت شاخص‌های ذکر شده، کاهش احساس فقر در نواحی روستایی مورد مطالعه است که روستاییان با میانگین ۳,۷۰، تأثیر بازارچه‌ها را در سطح زیاد و خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند. در شاخص امکان تهیه امکانات و وسایل بهداشت فردی و خانوادگی روستاییان با میانگین مطلوب برابر با ۳,۶۰ تأثیر بازارچه را در بهبود این شاخص در سطح مطلوب ارزیابی کرده‌اند. همچنین روستاییان با میانگین

محاسبه‌شده برابر با ۳,۳۶ بهبود یابد. دلسوزی اهالی روستا برای آبادانی روستاهایشان به دنبال تأسیس بازارچه‌های مرزی با میانگین محاسبه‌شده برابر با ۳,۴۹ بهبود رضایت‌بخشی داشته است؛ در نتیجه روستاییان تعاون و همکاری بیشتری با همدیگر دارند. همچنان که روستاییان اظهار می‌داشتند، هم‌اکنون برخلاف قبل که بیشتر روستاها با نوعی رکود اقتصادی و به تبع آن رکود اجتماعی نیز روبه‌رو بودند، شرکت در مراسم‌های یکدیگر بیشتر شده، روستاییان تمایل بیشتری به حل مشکلات مالی و اجتماعی دارند و همچنین شرکت در تصمیم‌گیری‌های عمومی روستا، حل اختلافات به صورت جمعی و ریش‌سفیدانه و حتی کار بدون مزد در مزارع یکدیگر در زمان‌هایی که فعالیت در بازارچه‌ها ندارند، بیشتر شده تا بتوان گفت روحیه تعاون و همکاری بین روستاییان افزایش یافته است. متغیری که در میان شاخص‌های همبستگی اجتماعی به دلیل اهمیت و وابستگی آن به بازارچه، جداگانه مورد بررسی قرار گرفته است، تمایل به کمک مالی روستاییان به همدیگر است که در این متغیر، میانگین محاسبه‌شده برابر با ۳,۳۹ نشان از بهبود وضعیت آن به دنبال تأسیس بازارچه دارد.

#### بُعد محیطی

در بُعد محیطی، کیفیت زیست‌پذیری روستاهای مورد مطالعه، مقایسه وضعیت دو دوره قبل و بعد از تأسیس بازارچه‌های مرزی بدین ترتیب است که در هر دو شاخص مورد بررسی، یعنی کیفیت آلودگی محیطی و چشم‌انداز بصری و وضعیت کشاورزی روستاها، میانگین‌های نامطلوب ۲,۹۱ و ۲,۷۰ به میانگین‌های ۳,۲۷ و ۳,۴۴ در دوره بعد از تأسیس بازارچه‌های مرزی در سطح معنی‌داری ۰,۰۵ ارتقاء یافته‌اند تا در مجموع نیز بتوان با اطمینان ۹۵ درصد و با افزایش میانگینی برابر با ۵۴. و رسیدن میانگین نامطلوب ۲,۸۱ دوره قبل به ۳,۳۵ دوره بعد از تأسیس بازارچه‌های مرزی در بُعد محیطی، بازارچه‌های مرزی را عاملی در بهبود وضعیت رضایت‌بخش بُعد محیطی زیست‌پذیری روستاهای مورد مطالعه دانست. در این

محاسبه‌شده برابر با ۳,۵۵، اظهار داشته‌اند که میزان مصرف مواد لبنی، گوشت، میوه و سبزیجات آن‌ها به دنبال بهره‌مندی از منافع بازارچه بیشتر شده است، که نتیجه بهبود این وضعیت را می‌توان در متغیر رضایت از وضعیت تغذیه روستاییان دید که با میانگین برابر با ۳,۱۶ محاسبه شده است. روستاییان با میانگین مطلوب ۳,۷۳، معتقدند که روستاهایشان مکان مناسبی برای زندگی است. پاسخگویان با میانگین محاسبه‌شده برابر با ۳,۴۲، اثرگذاری بازارچه‌های مرزی در کاهش جرم‌های فردی را رضایت‌بخش ارزیابی کرده‌اند. در ارتباط با چرایی این امر باید گفت که فقر و بیکاری به عنوان موانع اصلی توسعه روستایی و عوامل اصلی ایجاد جرم و نزاع‌های فردی در منطقه کم‌رنگ شده و عموم روستاییان، دارای بهره‌مندی مطلوبی از منافع اقتصادی گشته و فقر و بیکاری تا حد زیادی مهار شده است. از سویی دیگر، همان‌طور که در توضیحات قبلی نیز آورده شد، امکان افزایش میزان تحصیلات و گذراندن اوقات فراغت در شهرها نیز بیشتر شده تا در مجموع جرم‌های فردی در سطح روستاها کمتر شوند. فعالیت روستاییان در بازارچه‌ها عاملی بوده است که آن‌ها به شغلی دست یابند که برخلاف زراعت، فصلی نبوده و برخلاف فعالیت در قاچاق، دارای خطرات جانی و مالی نخواهد بود؛ به همین دلیل روستاییان به امنیت شغلی خود با میانگین ۳,۴۹ به گونه‌ای رضایت‌بخش پاسخ گفته‌اند. از سویی دیگر، فضاهای خالی، ساخته‌نشده و ترسناک روستایی نیز به دنبال رونق ایجادشده در سطح روستاهای بخش، به دنبال تأسیس بازارچه‌ها با افزایش ساخت‌وسازها کاهش یافته است (میانگین برابر با ۳,۸۸)؛ چراکه بسیاری از روستاییانی که زمانی از سطح روستاها به دلیل فقر مهاجرت کرده بودند، هم‌اکنون به روستاها بازگشته و مسکن جدیدی را برای خود ساخته‌اند. رضایت از موقعیت اجتماعی روستاییان به عنوان یک روستایی با میانگین ۳,۵۲ بهبود یافته تا در نتیجه رضایت از زندگی روستاییان نیز که شاخصی بسیار مهم در ایجاد فضای قابل‌زیست است، با میانگین

ارتباط، پاسخگویان با میانگین ۳,۲۸ معتقدند که به‌دنبال تأسیس بازارچه، چشم‌انداز روستایی منطقه زیباتر شده است. در ارتباط با چرایی این امر، روستاییان به چند مورد اثرگذار اشاره داشتند: اول اینکه جمعیت‌پذیری و افزایش جمعیت روستاها، محیط‌های روستایی را از محیطی منزوی و کم‌جمعیت به محیطی فعال‌تر با جمعیت بیشتری مبدل کرده‌است. از سوی دیگر، جذب جمعیت و بازگشت مهاجران، موجب رونق ساخت‌وسازها در روستاها شده و حتی بسیاری از خانوارهایی که مهاجرت نیز نکرده بودند، هم‌اکنون شروع به مرمت و بازسازی خانه‌های خود کرده‌اند. البته نباید به نقش اجرای طرح‌های هادی به‌ویژه در دهستان خاوومیرآباد اشاره نکرد. عدم تخریب اراضی و محیط طبیعی روستاها نیز متغیر دیگری است که به‌دنبال ایجاد بازارچه‌های مرزی وضعیت آن از سوی روستاییان با میانگین ۳,۳۹ به‌صورت نسبی با بهبود همراه بوده‌است. در این ارتباط روستاییان به عدم ادامه‌ی مشاغلی مانند تهیه‌ی زغال که موجب آسیب‌زایی به محیط طبیعی می‌شد و همچنین دلبستگی بیشتر مردم محلی به محیط روستا اشاره داشتند که موجب اهمیت حفظ محیط طبیعی نیز شده‌است. اقدامات دیگری همچون جمع‌آوری زباله‌ها از سطح روستاها، دفع و دپوی فاضلاب‌های خانگی و حیوانی به‌گونه‌ای مؤثر، از دیگر اقداماتی است که بخشی از آن‌ها به‌واسطه‌ی اجرای طرح‌های هادی و بخشی دیگر به‌واسطه‌ی منافع حاصل از بازارچه در اختیار دهیاری‌ها انجام شده‌اند که نقش بارزی در زیبایی چشم‌انداز و حفظ محیط طبیعی روستاها داشته‌اند. نتایج ارائه‌شده از پاسخ‌های روستاییان با میانگین ۳,۲۸ نشان می‌دهند که برداشت از زمین‌های کشاورزی و رونق محصولات باغی به‌دنبال تأسیس بازارچه به‌صورت نسبی و رضایت‌بخشی افزایش یافته‌است. دلیل عمده‌ی این امر از سوی روستاییان افزایش توان خرید ماشین‌آلات کشاورزی، کاشت محصولاتی که نیاز به سرمایه‌گذاری دارند (توت‌فرنگی و...) و به‌صرفه‌بودن انجام باغداری به‌عنوان فعالیتی

مکمل فعالیت در بازارچه‌هاست؛ چراکه در قبل از تأسیس بازارچه، پرداختن به باغداری به‌عنوان شغل اصلی و حتی مکمل نیز به‌دلیل رکود اقتصادی شدید منطقه به‌دنبال حذف قاچاق و انسداد مرزها به‌صرفه نبوده و درواقع انگیزه‌ی کافی برای انجام آن وجود نداشته‌است. در شاخص بهبود وضعیت دامداری نیز روستاییان با میانگین رضایت‌بخش برابر با ۳,۶۱، بازارچه‌ها را عاملی مؤثر در بهبود وضعیت دامداری منطقه می‌دانند؛ چراکه آن‌ها اظهار می‌داشتند که در قبل از تأسیس بازارچه‌ها، دامداری در منطقه همانند باغداری به‌دلیل فقدان انگیزه و درآمد کم، روبه فراموشی و کاهشی چشمگیر نهاده بود، ولی هم‌اکنون به‌واسطه‌ی تأسیس بازارچه و ایجاد درآمد کافی، روستاییان، دامداری را نیز به‌عنوان فعالیتی مکمل انجام می‌دهند (جدول ۳).

#### بُعد کالبدی

همچنین مقایسه‌ی وضعیت کیفیت زیست‌پذیری محیط‌های روستایی مورد مطالعه در بُعد کالبدی نیز، نشان می‌دهد که همه‌ی شاخص‌های مورد بررسی بعد از فعالیت مردم محلی در بازارچه‌ها با بهبود وضعیت همراه بوده‌اند. در این میان، شاخص وضعیت زمین‌های روستایی با بیشترین ارتقاء میانگین برابر با ۰,۸۶ و رسیدن میانگین از وضعیت نامطلوب ۲,۹۰ دوره قبل به میانگین مطلوب ۳,۷۸ دوره بعد از تأسیس بازارچه، دارای بیشترین بهبود وضعیت بوده‌است. این یافته‌ها، نشان از اثرگذاری بازارچه‌های مرزی بر افزایش ارزش اقتصادی زمین‌های کشاورزی و مسکونی نواحی روستایی دارد. در مجموع نیز، مقایسه‌ی وضعیت بُعد کالبدی قابلیت‌زیست‌پذیری نواحی روستایی مورد مطالعه نشان می‌دهد که میانگین مجموع از ۲,۹۴ دوره قبل به میانگین رضایت‌بخش ۳,۴۹ دوره بعد رسیده‌است تا همراه با محاسبه‌ی مقدار معنی‌داری محاسبه‌شده برابر با ۰,۰۰۰ که کمتر از سطح آلفای ۰,۰۱ بوده و مقدار مطلوب آماره‌ی t با ۹۹ درصد اطمینان عنوان کرد که تأسیس بازارچه‌های مرزی و فعالیت مردم محلی در آن‌ها موجب افزایش قابلیت

محاسبه‌شده برابر با ۳,۷۸ در شاخص ساخت مسکن نوساز و ۳,۹۳ در امکان تهیه وسایل گرمایشی و سرمایشی برای منازل، نشان از اثرگذاری رضایت‌بخش بازارچه‌های مرزی بر تغییرات این دسته از ویژگی‌های مسکن روستایی دارد. در دلایل تبیین این یافته‌ها همان‌طور که در قسمت‌های قبل نیز به آن اشاره شد، بازگشت مهاجران به روستاها و ساخت مسکن نوساز مطابق با اصول مهندسی (طرح هادی) و افزایش توانایی مالی روستاییان حاصل از منافع بازارچه‌ها به‌منظور نوسازی، مرمت و ساخت دوباره مسکن قدیمی، عامل‌های اصلی رقم‌خوردن چنین وضعیت رضایت‌بخشی هستند. روستاییان با میانگین محاسبه‌شده برابر با ۳,۶۸ اثرگذاری بازارچه را در افزایش ارزش اقتصادی زمین‌های کشاورزی روستاهای منطقه در سطح زیادی ارزیابی کرده‌اند. در شرایطی تقریباً مشابه نیز با میانگین ۳,۸۶ به افزایش ارزش اقتصادی (قیمت) مسکن روستایی به‌دنبال تأسیس و رونق بازارچه‌های مرزی در منطقه پاسخ گفته‌اند (جدول ۳).

زیست‌پذیری روستاییان در بُعد کالبدی روستاها شده‌است. در متغیرهای این بُعد، روستاییان با میانگین محاسبه‌شده برابر با ۳,۵۵، به افزایش توانایی روستاییان، در جهت بهره‌گیری از نموده‌های جدید فناوری اطلاعات و ارتباطات (گوشی‌های هوشمند، رایانه‌های دستی، اینترنت و...) در سطح روستاها پاسخ گفته‌اند. تعداد مغازه‌های خرده‌فروشی در سطح روستاهای دهستان‌ها به‌صورت نسبی با میانگین محاسبه‌شده برابر با ۳,۰۷ به‌دنبال تأسیس بازارچه‌های مرزی بیشتر شده است. دلیل این امر از سوی روستاییان افزایش جمعیت روستاها از یک سو و از سویی دیگر، میل به مصرف بیشتر روستاییان به‌دنبال افزایش درآمد حاصل از فعالیت در بازارچه‌هاست. میانگین محاسبه‌شده برابر با ۳,۰۴ نشان می‌دهد که به‌صورت نسبی فعالیت در بازارچه‌ها نقش مؤثری در افزایش دسترسی به ماشین شخصی در بین روستاییان داشته‌است. روستاییان با میانگین محاسبه‌شده برابر با ۳,۵۵ نقش فعالیت در بازارچه‌ها را در استحکام مسکن روستایی در سطح رضایت‌بخشی ارزیابی کرده‌اند. همچنین در شرایطی مشابه، میانگین‌های مطلوب

جدول ۳. مقایسه اثر بخشی بازارچه‌های مرزی در ارتقای زیست‌پذیری روستاها به تفکیک ابعاد و شاخص در دوره قبل و بعد از تأسیس

ابعاد	مؤلفه	میانگین	فاصله اطمینان ۹۵ درصد		آماره T	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
			کران بالا	کران پایین			
اقتصادی	درآمد و هزینه	قبل: ۲,۷۰	-۰.۹۹۷	-۰.۷۷۱	-۰.۱۶	۲۵۹	۰.۰۰
		بعد: ۳,۵۸					
		تفاوت میانگین‌ها: ۰.۸۷۹					
	اشتغال	قبل: ۲,۷۰	-۰.۵۵۲	-۰.۳۶۸	-۹,۴۸	۲۵۹	۰.۰۰
		بعد: ۳,۱۵					
		تفاوت میانگین‌ها: -۰.۴۶۰					
مجموع	۲	قبل: ۲,۷۱	-۰.۷۵۸	-۰.۵۱۸	-۱۴,۹۲	۲۵۹	۰.۰۰
		بعد: ۳,۴۷					
		تفاوت میانگین‌ها: -۰.۶۷					
اجتماعی	مشارکت	قبل: ۲,۹۰	-۰.۴۱۳	-۰.۱۷۱	-۴,۷۶	۲۵۹	۰.۰۰
		بعد: ۳,۱۹					
		تفاوت میانگین‌ها: -۰.۲۹					
	برابری و عدالت	قبل: ۲,۹۰	-۰.۷۱۹	-۰.۳۸۰	-۶,۴۰	۲۵۹	۰.۰۰
		بعد: ۳,۴۵					
		تفاوت میانگین‌ها: -۰.۵۵					

	تغذیه و بهداشت	قبل: ۲,۹۴	-۵۶۶	-۲۵۲	-۵,۱۳	۲۵۹	.۰۰۰
		بعد: ۳,۳۵					
		تفاوت میانگین‌ها: -۴۹					
	تعلق به روستا و روستایی بودن	قبل: ۲,۸۶	-۲۸۶	-۵۴۴	-۶,۳۵	۲۵۹	.۰۰۰
		بعد: ۳,۲۷					
		تفاوت میانگین‌ها: -۴۱					
	امنیت فردی و اجتماعی	قبل: ۲,۹۲	-۷۵۸	-۴۸۷	-۹,۰۶	۲۵۹	.۰۰۰
		بعد: ۳,۵۴					
		تفاوت میانگین‌ها: -۶۲۳					
	همبستگی اجتماعی	قبل: ۲,۸۱	-۶۵۶	-۳۷۴	-۷,۱۹	۲۵۹	.۰۰۰
		بعد: ۳,۳۳					
		تفاوت میانگین‌ها: -۵۱۵					
		بعد: ۳,۴۰					
		تفاوت میانگین‌ها: -۴۷					
مجموع	۷	قبل: ۲,۸۹	-۲۲۸	-۱۱۶	-۵,۰۵	۲۵۹	.۰۰۰
		بعد: ۳,۳۶					
		تفاوت میانگین‌ها: -۴۷					
محیطی	کیفیت بصری آلودگی محیطی <sup>۱</sup>	قبل: ۲,۹۱	-۴۷۳	-۲۴۱	-۶,۰۸	۲۵۹	.۰۰۰
		بعد: ۳,۲۷					
		تفاوت میانگین‌ها: -۳۵					
	کشاورزی	قبل: ۲,۷۰	-۸۶۵	-۶۱۱	-۱۱,۴۵	۲۵۹	.۰۰۰
		بعد: ۳,۴۴					
		تفاوت میانگین‌ها: -۷۳					
مجموع	۲	قبل: ۲,۸۱	-۶۶۰	-۴۳۵	-۹,۶۲	۲۵۹	.۰۰۰
		بعد: ۳,۳۵					
		تفاوت میانگین‌ها: -۵۴					
کالبدی	خدمات	قبل: ۲,۹۴	-۴۵۶	-۲۳۳	-۶,۰۹	۲۵۹	.۰۰۰
		بعد: ۳,۱۱					
		تفاوت میانگین‌ها: -۳۴					
	مسکن	قبل: ۲,۹۸	-۷۳۸	-۵۲۲	-۱۲,۲۱	۲۵۹	.۰۰۰
		بعد: ۳,۵۹					
		تفاوت میانگین‌ها: -۶۱					
	زمین‌های روستایی	قبل: ۲,۹۰	-۹۸۸	-۶۷۳	-۸,۵۰	۲۵۹	.۰۰۰
		بعد: ۳,۷۸					
		تفاوت میانگین‌ها: -۸۷۶					
مجموع	۳	قبل: ۲,۹۴	-۴۸۸	-۳۴۸	-۱۱,۶۵	۲۵۹	.۰۰۰
		بعد: ۳,۴۹					
		تفاوت میانگین‌ها: -۵۵					

(منبع: نویسندگان، ۱۳۹۶)

معنی‌داری محاسبه‌شده نیز که برابر با ۰,۰۰۰ بوده و از سطح آلفای ۰,۰۱ نیز کمتر است، با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان عنوان کرد که قابلیت زیست‌پذیری روستاهای مورد مطالعه به‌دنبال تأسیس بازارچه‌های مرزی بهبود یافته‌است.

در مجموع نیز همان‌طور که نتایج ارائه‌شده در جدول ۴ نشان می‌دهد، میانگین قابلیت زیست‌پذیری روستاهای مورد مطالعه از میانگین نامطلوب ۲,۸۲ به میانگین رضایت‌بخش ۳,۳۸ در دوره بعد از تأسیس بازارچه رسیده‌است. با توجه به مقدار مطلوب آماره  $t$  و

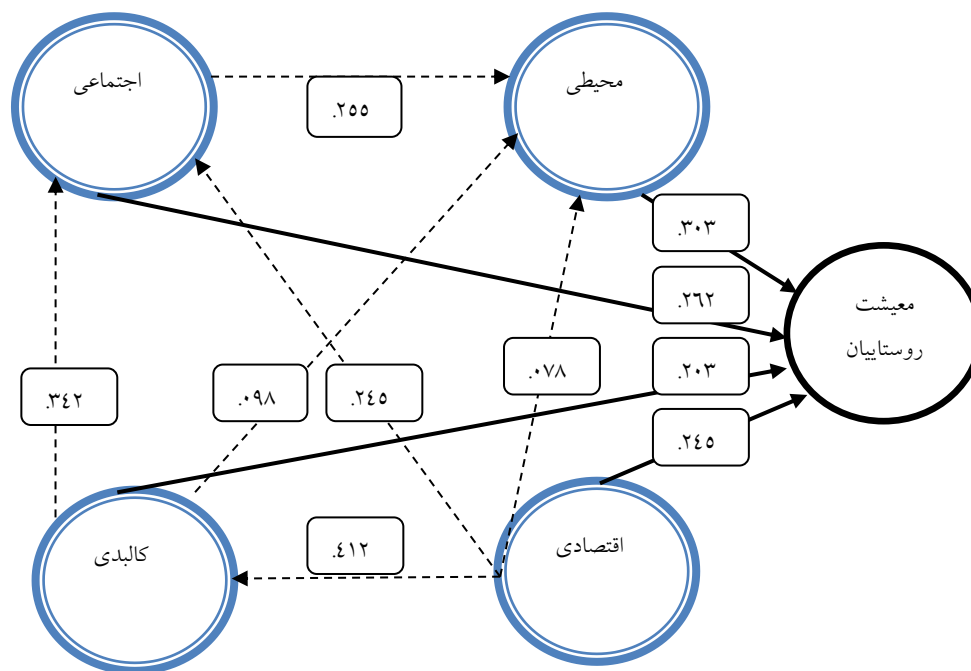
جدول ۴. مقایسه اثربخشی تأسیس بازارچه‌های مرزی بر ارتقای وضعیت زیست‌پذیری روستاها در دو دوره قبل و بعد از تأسیس

مجموع	میانگین	فاصله اطمینان ۹۵ درصد		آماره T	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
		کران پایین	کران بالا			
قابلیت زیست‌پذیری	قبل: ۲,۸۲	-۵۶۷	-۳۹۷	-۱۲,۹۲	۲۵۹	۰,۰۰۰
	بعد: ۳,۳۸					
	تفاوت میانگین‌ها: ۰,۵۶-					

(منبع: نویسندگان، ۱۳۹۶)

برابر با ۰,۳۱۷ مؤثرترین بُعد در ارتقای و بهبود سطح زیست‌پذیری محیط‌های روستایی منطقه به‌واسطه تأثیرپذیری از ایجاد بازارچه‌های مرزی ایجاد شده است. این بُعد علاوه بر اثرگذاری مستقیم به‌صورت غیرمستقیم و با کمک به بهبود سطح سایر ابعاد نیز به بهبود سطح زیست‌پذیری محیط‌های روستایی منطقه منجر شده است.

در ادامه به‌منظور مشخص کردن بُعدی که دارای بیشترین تأثیر در ارتقای وضعیت زیست‌پذیری نواحی روستایی به‌دنبال تأسیس بازارچه‌های مرزی بوده است، از آزمون تحلیل مسیر بهره گرفته شد. در ابتدا به‌منظور سنجش اثرات مستقیم، مجموع تلفیقی ابعاد قابلیت زیست‌پذیری باعنوان قابلیت زیست‌پذیری روستاها به‌عنوان متغیر وابسته و همه ابعاد زیست‌پذیری به‌عنوان متغیر مستقل و در ادامه هر یک از ابعاد نیز به‌ترتیب با توجه دیدگاه کارشناسان و متخصصان پژوهش، به‌عنوان متغیر مستقل وارد مدل شدند و تأثیرات آن‌ها سنجیده شد. در ادامه پس از وارد کردن و جایگزینی تک تک ابعاد به‌عنوان متغیر وابسته و سایر ابعاد به‌عنوان متغیر مستقل با ضرب کردن همه مسیرها به بُعد موردنظر و درنهایت جمع کردن همه مسیرهای ضرب‌شده به بُعد مورد نظر، میزان اثرات غیرمستقیم نیز مشخص شد و در آخر نیز با جمع کردن اثرات مستقیم و غیرمستقیم، بار کلی و میزان اثرگذاری نهایی هر بُعد (اقتصادی، اجتماعی، محیطی، کالبدی) بر وضع موجود قابلیت زیست‌پذیری روستاها به‌وسیله اثرپذیری از تأسیس بازارچه‌ها و منافع حاصل از آن مشخص شد. همان‌طور که در جدول (۵) مشاهده می‌شود، بُعد اقتصادی با بار کلی



شکل ۳. مدل نهایی ارتباط ابعاد زیست‌پذیری در ارتقای سطح قابلیت زیست‌پذیری روستاها به‌واسطه اثرگذاری بازارچه‌های مرزی (منبع: نویسندگان، ۱۳۹۶)

جدول ۵. اثر مستقیم، غیرمستقیم و کلی هر یک از ابعاد تأثیرگذار بر قابلیت زندگی در منطقه روستایی مورد مطالعه به‌واسطه اثرپذیری از ایجاد بازارچه‌های مرزی

دارایی‌ها	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	بار کلی
اقتصادی	۰,۲۴۵	۰,۰۷۲	۰,۳۱۷
اجتماعی	۰,۲۶۲	۰,۰۴۸	۰,۳۱۰
محیطی	۰,۳۰۳	---	---
کالبدی	۰,۲۰۳	۰,۰۵۸	۰,۲۶۱

(منبع: نویسندگان، ۱۳۹۶)

تأسیس بازارچه‌های مرزی در میان شاخص‌های مورد بررسی زیست‌پذیری روستاها داشته‌اند. این امر نشان می‌دهد که اثرات اقتصادی بازارچه‌های مرزی می‌تواند به‌عنوان محرک و بسترسازی برای اصلاح و بهبود سایر شاخص‌های قابلیت زندگی در مناطق روستایی عمل کند. داده‌های میدانی نیز در تأیید این نتیجه نشان دادند که به‌دلیل منافع مطلوب اقتصادی بازارچه‌های مرزی، جمعیت بیشتری جذب روستاها شده و زمین‌های کشاورزی و به‌ویژه زمین‌های واقع در محدوده مسکونی روستاها با تقاضا و افزایش قیمت قابل توجهی روبه‌رو بوده‌اند. از سوی دیگر نیز، منافع

همچنین نتایج آزمون رتبه‌ای فریدمن نیز در میان شاخص‌های مورد بررسی قابلیت زیست‌پذیری روستاها به‌دنبال تأسیس بازارچه‌های مرزی و فعالیت مردم محلی در آن‌ها نشان می‌دهد که در سطح معنی‌داری ۰,۰۱ تفاوت معنی‌داری میان وضعیت تغییر شاخص‌ها در دوره بعد از تأسیس بازارچه‌های مرزی وجود دارد. همان‌طور که در جدول ۶ ملاحظه می‌شود، به‌ترتیب شاخص‌های وضعیت مسکن، زمین، درآمد و برابری از شاخص‌های کالبدی، اقتصادی و اجتماعی هستند که دارای بالاترین رتبه‌ها بوده‌اند و این بدین معنی است که این شاخص‌ها، بیشترین تأثیر و بهبود وضعیت را از

بین خانوارهای روستایی و حتی بین خانوارهای روستایی با خانوارهای شهری شود.

اقتصادی حاصل از بازارچه و توزیع عادلانه آن در میان روستاییان همان‌طور که در قبل نیز به آن اشاره شده، توانسته‌است موجب کاهش فاصله اقتصادی و اجتماعی

جدول ۶. رتبه‌بندی میزان بهبود شاخص‌های زیست‌پذیری روستاها بعد از تأسیس بازارچه‌های مرزی براساس آزمون فریدمن<sup>۱</sup>

شاخص‌ها	میانگین‌های رتبه‌ای	شاخص‌ها	میانگین‌های رتبه‌ای
۱- زمین	۱۲,۰۴	۸- تغذیه و بهداشت	۷,۲۳
۲- مسکن	۱۱,۲۲	۹- همبستگی و انسجام	۶,۳۴
۳- درآمد	۱۰,۰۲	۱۰- تعلق خاطر به روستا	۵,۸۷
۴- برابری	۸,۹۳	۱۱- کیفیت بصری و آلودگی محیطی	۵,۸۰
۵- امنیت	۸,۷۷	۱۲- مشارکت	۵,۵۳
۶- نهادی	۷,۹۲	۱۳- اشتغال	۴,۴۰
۷- کشاورزی	۷,۴۸	۱۴- خدمات و امکانات	۳,۴۴
درجه آزادی: ۱۳			
معنی‌داری: ۰,۰۰۰			
تعداد: ۲۶۰			

(۱- با توجه به فاصله‌ای بودن مقیاس اولیه، شاخص‌ها با استفاده از دستور Record در چهار طبقه زیاد (۵-۴ میانگین)، متوسط (۴-۳ میانگین)، کم (۳-۲ میانگین) و خیلی کم (۲-۱ میانگین) دسته‌بندی، به مقیاس رتبه‌ای تبدیل و کدگذاری مجدد شدند تا بتوان از آزمون رتبه‌ای فریدمن استفاده کرد.)  
(منبع: نویسندگان، ۱۳۹۶)

پذیرفته می‌شود. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، میانگین قابلیت زندگی در دهستان دزلی برابر با ۳,۱۱ و کمتر از میانگین قابلیت زیست‌پذیری محیط‌های روستایی در بخش خاوومیرآباد با میانگین برابر با ۳,۷۱ است و این تفاوت میانگین نیز در سطح معنی‌داری ۰,۰۵ با توجه به مقدار معنی‌داری محاسبه‌شده کمتر از ۰,۰۵ در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار محاسبه شده‌است.

در ادامه به منظور تعیین تفاوت سطح زیست‌پذیری مناطق روستایی مورد مطالعه، یعنی دهستان دزلی که دارای بازارچه مرزی مله خورد و دهستان خاوومیرآباد که دارای بازارچه دهره وران است؛ از آزمون t مستقل، در جهت سنجش تفاوت میانگین‌های قابلیت زیست‌پذیری این دو منطقه روستایی بهره گرفته شد. در ابتدا با توجه به مقدار آماره F و مقدار معنی‌داری محاسبه‌شده در آزمون لون، فرض برابری واریانس‌ها

جدول ۷. نتایج آزمون T مستقل در جهت سنجش تفاوت سطح زیست‌پذیری روستاها به‌واسطه اثرگذاری بازارچه‌های مرزی

مناطق روستایی	تعداد	میانگین قابلیت زیست‌پذیری	فرض برابری واریانس‌ها		معنی‌داری: ۰,۳۲۵ آماره F: ۲۳۹
			در آزمون لون	فاصله اطمینان ۹۵ درصد	
			حد بالا	حد پایین	
دهستان دزلی	۱۶۶	۳,۱۱	-۰,۳۶۵	-۰,۸۴۱	۰,۰۰۲
دهستان خاوومیرآباد	۹۴	۳,۷۱			

(منبع: نویسندگان، ۱۳۹۶)

بازارچه‌های مرزی از ضریب همبستگی اسپیرمن<sup>۱</sup> بهره گرفته شد و از متغیرهایی همچون: سهمیه ورود کالای

در ادامه به منظور تعیین عوامل مؤثر بر این تفاوت، سطح زیست‌پذیری مناطق روستایی بعد از تأسیس

۱- به منظور هم‌مقیاس‌سازی داده‌ها، همه متغیرها (قابلیت زیست‌پذیری، میزان سهمیه ورود کالای روستاییان، مدت زمان فعالیت در بازارچه‌ها، نزدیکی به

جدول ۸. تعیین ارتباط قابلیت زیست‌پذیری روستاها با متغیرهای مرتبط با فعالیت بازارچه‌ها

قابلیت زیست‌پذیری روستاها		متغیر
۰,۵۴۲	ارزش همبستگی	تعداد روستاهای فعال
۰,۰۰۰	معنی‌داری	
۲۶۰	تعداد	
۰,۴۱۷	ارزش همبستگی	نزدیکی به شهر
۰,۰۰۰	معنی‌داری	
۲۶۰	تعداد	
۰,۳۱۳	ارزش همبستگی	مدت زمان تأسیس بازارچه
۰,۰۰۲	معنی‌داری:	
۲۶۰	تعداد:	
۰,۶۷۳	ارزش همبستگی:	سه‌میه ورود کالای روستاییان
۰,۰۰۰	معنی‌داری:	
۲۶۰	تعداد:	

(منبع: نویسندگان، ۱۳۹۶)

#### نتیجه‌گیری و پیشنهاد

پژوهش حاضر به بررسی اثرگذاری بازارچه‌های مرزی بر کیفیت زیست‌پذیری در محیط‌های روستایی دهستان‌های خاوومیرآباد و دزلی پرداخت. بدین منظور نیز سؤال‌هایی مطرح بودند که یافته‌های پژوهش در ارتباط با پاسخگویی به آن‌ها به شرح زیر می‌باشند:

- سؤال اول: آیا وضعیت زیست‌پذیری روستاهای منطقه مورد مطالعه نسبت به دوره قبل از تأسیس بازارچه‌های مرزی دارای تفاوت معنی‌داری است؟ یافته‌های حاصل از آزمون t زوجی که به منظور مقایسه میانگین شاخص‌های قابلیت زیست‌پذیری روستاهای مورد مطالعه در دو دوره قبل و بعد از تأسیس بازارچه‌های مرزی از دیدگاه روستاییان انجام گرفت، نشان داد که در سطح معنی‌داری ۰,۰۱، میانگین نامطلوب زیست‌پذیری روستاهای مورد مطالعه از مقدار ۲,۸۲ به میانگین رضایت‌بخش ۳,۳۸ رسیده تا بدین ترتیب، بتوان با اطمینان ۹۹ درصد عنوان کرد که وضعیت زیست‌پذیری روستاها به دنبال تأسیس بازارچه‌های مرزی در مناطق روستایی مورد مطالعه بهبود یافته است.

- سؤال دوم پژوهش: مؤثرترین بعدی که به دنبال اثرگذاری بازارچه‌های مرزی بیشترین تأثیر را در تغییر

روستاییان، مدت زمان فعالیت در بازارچه‌ها، نزدیکی به شهر و تعداد روستاهای دارای سهمیه فعالیت، برای تبیین استفاده شد. همان‌طور که نتایج همبستگی نشان می‌دهد، همه متغیرهای مورد بررسی مرتبط با شیوه اداره و عملکرد بازارچه‌های مرزی دارای ارتباط مستقیم، مثبت و معنی‌داری با قابلیت زیست‌پذیری روستاها می‌باشند. بر اساس این نتایج می‌توان گفت، هرچه تعداد بیشتری از روستاهای هر دهستان در بازارچه مشغول به فعالیت باشند، هرچه روستاهای دهستان مورد مطالعه به شهر نزدیک‌تر باشد، هرچه مدت زمان تأسیس و فعالیت در بازارچه بیشتر بوده و در نهایت هرچه سهمیه روستاییان از واردات کالا از طریق بازارچه‌های مرزی بیشتر باشد، قابلیت زندگی و زیست‌پذیری محیط‌های روستای نیز بیشتر می‌شود. با توجه به این نتایج، می‌توان به بیشتر بودن میانگین به دست آمده، قابلیت زیست‌پذیری در روستاهای دهستان خاوومیرآباد برابر با ۳,۷۰ که بیشتر از قابلیت زیست‌پذیری دهستان دزلی برابر با ۳,۱۱ (جدول ۷) است، پی‌برد؛ چراکه در دهستان خاوومیرآباد کل روستاهای بخش در بازارچه فعالیت دارند. این درحالیست که در دهستان دزلی تنها چهار روستا اجازه فعالیت دارند، همچنین در دهستان خاوومیرآباد، بازارچه چندسال قبل از دهستان دزلی تأسیس شده و تجربه موفق این بازارچه مسئولان را به تأسیس بازارچه مرزی دیگری در دهستان دزلی واداشت. از سویی دیگر نیز، دهستان خاوومیرآباد به دلیل نزدیکی بیشتر به شهر مریوان و وجود امکانات مناسب حمل‌ونقل به‌ویژه جاده‌های ارتباطی مناسب از حجم واردات کالا و در نتیجه سهمیه‌ای بیشتر برای روستاییان برخوردار بوده تا در مجموع قابلیت زیست‌پذیری این دهستان به واسطه اثرگذاری بازارچه مرزی بیشتر از دهستان دزلی باشد.

بدین ترتیب وضعیت بُعد کالبدی با بیشترین بهبود همراه باشد.

سؤال چهارم پژوهش: آیا تفاوت معنی‌داری میان سطح زیست‌پذیری دو روستای مورد مطالعه به‌واسطه اثرپذیری از تأسیس بازارچه‌های مرزی وجود دارد و در صورت وجود تفاوت، آیا این تفاوت سطح زیست‌پذیری را می‌توان با مشخصه‌هایی همچون: سهمیه ورود کالای روستاییان، مدت زمان فعالیت در بازارچه، نزدیکی به شهر و تعداد روستاهای دارای سهمیه فعالیت تبیین کرد؟ بدین منظور در ابتدا از آزمون  $t$  مستقل استفاده شد که با توجه به مقدار معنی‌داری محاسبه‌شده برابر با  $0,002$ ، که کمتر از سطح آلفای  $0,05$  بوده، مقدار تفاوت میانگین‌های محاسبه‌شده، زیست‌پذیری دهستان خاوومیرآباد برابر با  $3,71$  در برابر میانگین زیست‌پذیری محیط روستایی دهستان دزلی برابر با  $3,11$ ، معنی‌دار است. در ادامه، آزمون همبستگی نیز نشان داد که همه مشخصه‌های مطرح‌شده یعنی سهمیه ورود کالای روستاییان، مدت زمان فعالیت، نزدیکی به شهر و تعداد روستاهای دارای سهمیه فعالیت، در سطح اطمینان  $95$  درصد، دارای ارتباط معنی‌دار، مثبت و مستقیمی با سطح زیست‌پذیری دو منطقه روستایی مورد مطالعه هستند. بر مبنای این یافته‌ها، هرچه روستاهای بیشتری از دهستان در بازارچه‌ها مشغول فعالیت باشند و زمان بیشتری از تأسیس و اثرگذاری بازارچه‌های مرزی گذشته باشد و نیز هرچه سهمیه روستاییان برای فعالیت در بازارچه بیشتر باشد، شرایطی که در دهستان خاوومیرآباد مهیاتر و بیشتر از دهستان دزلی است، سطح زیست‌پذیری روستاهای منطقه نیز افزایش می‌یابد. در دهستان خاوومیرآباد روستاها به شهر تجاری می‌یوان نزدیک‌تر بوده، تأسیس بازارچه قدمت بیشتری دارد، همه روستاهای دهستان اجازه حضور فعالیت در بازارچه‌ها را دارند و سهمیه‌ای یکسان و رضایت‌بخش برای هر سرپرست خانوار در نظر گرفته شده است. در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان اظهار کرد که تأسیس بازارچه‌های مرزی در دو منطقه روستایی دهستان

سطح زیست‌پذیری روستاهای مورد مطالعه داشته، کدام بُعد است؟ نتایج آزمون تحلیل مسیر، نشان داد که این بُعد اقتصادی زیست‌پذیری زندگی روستاییان است که به‌واسطه اثرپذیری از فعالیت مردم محلی در بازارچه‌های مرزی، بیشترین تأثیر را در افزایش سطح زیست‌پذیری محیط‌های روستایی مورد مطالعه داشته‌است. در تبیین این نتیجه می‌توان به اهمیت اقتصاد و اصل تنوع اقتصادی توسط نظریه‌پردازان عرصه توسعه روستایی به‌عنوان محرک بهبود سایر ابعاد توسعه اشاره کرد. اصلی که در منطقه مورد مطالعه به وقوع پیوسته است و با بررسی مسیرهای ترسیم‌شده (شکل ۳) می‌توان دید که پویایی بُعد اقتصادی بر روی بهبود ابعاد اجتماعی، محیطی و کالبدی زیست‌پذیری روستاهای مورد مطالعه اثر معنی‌داری داشته است.

- سؤال سوم پژوهش: کدام‌یک از شاخص‌های مورد سنجش زیست‌پذیری، دارای بیشترین تغییر وضعیت و اثرپذیری از تأسیس بازارچه‌های مرزی هستند؟ نتایج آزمون رتبه‌ای فریدمن در میان شاخص‌های زیست‌پذیری روستاها، نشان داد که این شاخص‌های مسکن و زمین از بُعد کالبدی و به‌دنبال آن درآمد روستاییان از بُعد اقتصادی است که با دارا بودن بیشترین میانگین رتبه‌ای، دارای بیشترین ارتقای وضعیت از تأسیس بازارچه‌های مرزی بوده‌اند. به‌واقع همان‌طور که در آزمون تحلیل مسیر اشاره شد، بازارچه مرزی به‌عنوان نهادی اقتصادی که منافع اقتصادی فراوانی، از جمله افزایش اشتغال و درآمد را برای روستاییان به‌همراه آورده، توانسته است منطقه مورد مطالعه را به‌عنوان محیطی دلپذیر یا به‌عبارتی زیست‌پذیر برای افراد، مطرح کرده و با جذب تقاضا و ترسیم آینده‌ای روشن، ارزش زمین‌های مسکونی و زراعی منطقه را افزایش داده و از سویی دیگر با جذب خانوارهای مهاجر، مسکن‌سازی‌های گسترده‌ای در سطح روستاها انجام گیرد و حتی بسیاری از روستاییان نیز با افزایش دلبستگی به روستاهای خود و منافع حاصل از بازارچه به نوسازی مسکن خود پرداخته‌اند تا

اقلیم کردستان عراق با توجه به میل مصرف زیاد و نیز تفاوت نرخ ارز پیشنهاد می‌شود.

### منابع

ابراهیم‌زاده، عیسی. (۱۳۹۱). نقش بازرچه مرزی در توسعه امنیت (نمونه موردی: بازرچه مهران)، همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت؛ چالش‌ها و رهیافت‌ها، دانشگاه سیستان و بلوچستان.

اسماعیلی، خالد. (۱۳۹۲). ارزیابی اثرات ایجاد بازرچه‌های مرزی بر توسعه پایدار اقتصادی روستاهای پیرامون آن‌ها (نمونه مورد مطالعه: دهستان نونور، شهرستان بانه)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر حسین فراهانی، دانشگاه زنجان.

ایراندوست، کیومرث؛ عیسی‌لو، اصغر؛ شاهرادی، بهزاد. (۱۳۹۲). شاخص‌های زیست‌پذیری در محیط‌های شهری (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهر قم)، فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری، انجمن علمی اقتصاد مدیریت شهری، سال ۱۴، شماره ۱۳، صص ۱۱۸-۱۰۱.

جمعه‌پور، محمود؛ تهرانی، شیرزاد. (۱۳۹۲). تبیین میزان زیست‌پذیری و کیفیت زندگی در روستاهای پیرامون شهری (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان شهریار)، فصلنامه برنامه‌ریزی کالبدی - فضایی، دانشگاه پیام نور، سال اول، شماره ۳، صص ۷۱-۵۰.

حبیبی، داود؛ قشقایی، رضا؛ حیدری، فرزاد. (۲۰۱۳). نگاهی به معیارها و اصول شهر زیست‌پذیر، کنفرانس بین‌المللی مهندسی، معماری شهری و توسعه پایدار شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، صص ۱۳-۱.

حکیم‌دوست، یاسر؛ رستمی، شاه‌بختی؛ مرادی، محمود؛ نظری، عبدالحمید. (۱۳۹۵). تحلیل فضایی پهنه‌های خطرپذیری زیستی و فعالیتی سکونتگاه‌های روستاهای مرزی (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان هیرمند)، فصلنامه اطلاعات جغرافیایی (سپهر)، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، دوره ۲۵، شماره ۹۹، صص ۹۲-۷۱.

خراسانی، محمدمامین. (۱۳۹۳). سنجش زیست‌پذیری روستاهای پیرامون شهری از دیدگاه زنان روستایی (مطالعه موردی: شهرستان ورامین)، همایش زن و توسعه پایدار روستایی، مشهد، صص ۱۳-۱.

ربیعی‌فر، ولی‌الله. (۱۳۹۴). تحلیل و ارزیابی اثرات اجرای طرح‌های هادی در تحولات اقتصادی و اجتماعی سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: روستاهای استان

دزلی و خاوومیرآباد شهرستان‌های سروآباد و مریوان توانسته‌است موجب بهبود سطح قابلیت زیست‌پذیری روستاها شود.

البته لازم به ذکر است، در کنار اثرات مثبت بازرچه در زیست‌پذیری روستاها، ضعف‌هایی نیز در نحوه فعالیت و اثرگذاری بازرچه‌های مرزی منطقه به‌منظور افزایش رضایت‌بخش قابلیت زیست‌پذیری روستاها می‌توان دید. تعطیلی‌های مقطعی که در بازرچه مرزی دهستان دزلی نیز بیشتر نمود دارد، شایعاتی مبنی بر تعطیلی و موقتی‌بودن بازرچه‌ها در میان روستاییان، رویکرد صرف وارداتی بازرچه‌ها، کمبود خدمات و امکانات رفاهی و اقامتی در بازرچه‌ها مواردی از این ضعف‌ها هستند، اما مهم‌تر از این موارد، هرچند در شاخص‌هایی همچون ارتقای شغلی، افزایش اشتغال زنان، حمایت خانوارها از ایجاد مشاغل جدید، ارتقای امکانات فراغتی روستاها نسبت به قبل از تأسیس بازرچه‌ها وضعیت بهبود یافته‌است؛ اما این میزان ارتقاء به‌گونه‌ای رضایت‌بخش نبوده و نتوانسته است همانند دیگر شاخص‌های مورد بررسی به‌گونه‌ای مؤثر بر افزایش سطح زیست‌پذیری روستاهای منطقه منجر شود. این درحالیست که میزان پس‌اندازها و درآمدهای خانوارها افزایش یافته و عدم تمایل مطلوب آن‌ها به ایجاد و راه‌اندازی مشاغل جدید، ارتقای شغلی و اشتغال زنان می‌تواند با برنامه‌ریزی مؤثرتر و اتخاذ راهکارهای کاربردی، بهبود یافته و در مجموع سطح زیست‌پذیری روستاها نیز به وضعیتی مطلوب و پایدار برسد. در این راستا نیز جمع‌آوری پس‌اندازهای خرد مردم محلی به‌منظور تشکیل تعاونی‌های تجاری با بهره‌گیری از شوراها و دهیاری‌ها، اختصاص وام‌های کم‌بهره و بلندمدت به روستاییان در جهت حضور در بازرچه به‌عنوان تاجر و پیلهور، ایجاد غرفه‌ها و مکان‌های استراحتگاهی در بازرچه‌ها به‌منظور ایجاد مشاغل خدماتی برای روستاییان، فاصله‌گرفتن از رویکرد صرف وارداتی بازرچه‌ها به‌سمت بازاریابی و صدور کالاهای تولیدی کشاورزی روستاییان منطقه به

یگانه، بهروز؛ چراغی، مهدی؛ صمدی، فؤاد. (۱۳۹۵). ارزیابی اثرات کیفیت مسکن در سرزندگی روستایی دهستان خاوومیرآباد مریوان، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، سال ۱۶، شماره ۴۳، صص ۱۱۹-۱۰۷.

Anderson, JockR,(2001),RiskManagement in Rural Development, Rural Strategy Background, at:citeseerx.ist.psu.edu/viewdoc/download?doi=10.1.1.196.8987&rep=rep1...pd.

Appleyard, Bruce,(2013), Toward Livability Ethics A Framework to Guide Planning, Design and Engineering Decisions, TRB 2014 Annual Meeting Paper revised from original submittal, SanDiego State University.

Bearden, Christi,(2014), Rural Viability Index: A Tool for Assessing Rural Communities, George Bush School of Government and Public Service and the Texas Office of Rural Community Affairs.

Faiz, Asif, (2012), Sustainable rural roads for livelihoods and livability , Procedia - Social and Behavioral, Sciences, no. 53 ,pp 1 – 8.

Fouracre,p,(2001),transport and sustainable rural livelihoods, rural transport knowledge base, Rural Travel and Transport Program. at: [https://www.ssatp.org/sites/ssatp/files/publications/HTML/rural\\_transport/knowledge\\_base/English/Module%205/5\\_3b%20Case%20Study%20-%20Sustainable%20Livelihoods.pdf](https://www.ssatp.org/sites/ssatp/files/publications/HTML/rural_transport/knowledge_base/English/Module%205/5_3b%20Case%20Study%20-%20Sustainable%20Livelihoods.pdf).

Gough, Meghan,(2015), Reconciling Livability and Sustainability: Conceptual and Practical Implications for Planning, Journal of Planning Education and Research, Vol. 35(2),pp 145–160.

Marp,(2012), What Is A "Livable" Community and Why Is It Important?, Meeting Older Adults' Mobility Needs 'Transit's Role in Livable Rural Communities.

Vanzerr, Mariah,(2011), Recommendations Memo , Livability and Quality of Life Indicators, recommendations memo , livability and quality of life indicators, at:[https://www.researchgate.net/publication/236144445\\_Recommendations\\_Memo\\_2\\_Livability\\_and\\_Quality\\_of\\_Life\\_Indicators](https://www.researchgate.net/publication/236144445_Recommendations_Memo_2_Livability_and_Quality_of_Life_Indicators).

Whitzman, Carolyn, Badland, Hannah, Davern, Melanie, Aye, Lu,(2013), Livable, Healthy, Sustainable: What Are the Key Indicators for Melbourne Neighborhoods?, Place, Health and Livability Research Program, Melbourne School of Engineering, Department of Health, Victorian Government.

Woolcock, Geoffrey,(2012), Measuring Up?: Assessing the Livability of Australian Cities, Urban Research Program, GRIFFITH university - NATHAN.

تحلیلی بر نقش بازارچه‌های مرزی در زیست‌پذیری نواحی روستایی ... زنجان)، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دانشگاه آزاد اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۷، صص ۷۵-۹۰.

رضوانی، محمدرضا؛ خراسانی، محمدمامین. (۱۳۹۲). سنجش و ارزیابی مؤلفه‌های زیست‌پذیری در سکونتگاه‌های پیرامون شهری (بررسی موردی: شهرستان ورامین)، پژوهش‌های روستایی، دانشگاه تهران، دوره پنجم، شماره ۱، صص ۸۹-۱۰۵.

صادقلو، طاهره؛ سجاسی قیداری، حمدالله. (۱۳۹۳). بررسی رابطه زیست‌پذیری سکونتگاه‌های روستایی بر تاب‌آوری روستاییان در برابر مخاطرات طبیعی نواحی روستایی دهستان مراوه تپه و پالیزان، فصلنامه مدیریت بحران، دانشگاه صنعتی مالک اشتر شماره ۶، صص ۳۶-۴۸.

طیبنیا، سیده‌هادی؛ منوچهری، سوران. (۱۳۹۵). نقش بازارچه‌های مرزی در توسعه اقتصادی و اجتماعی نواحی روستایی (مورد مطالعه: روستاهای بخش خاوومیرآباد شهرستان مریوان)، فصلنامه اقتصاد فضا، دانشگاه خوارزمی، سال پنجم، شماره ۱، صص ۱۷۲-۱۴۷.

ظفری، داریوش؛ حسینی، محمدحسین؛ حلیجی، محمدعلی؛ فتحی، محمدحسین. (۱۳۸۹). رتبه‌بندی توسعه اجتماعی شهرستان‌های استان همدان، مطالعات جامعه‌شناختی، دانشگاه تهران، دوره ۲، شماره ۸، صص ۱۴۱-۱۲۹.

عیسی‌لو، اصغر؛ بیات، مصطفی؛ بهرامی، عبدالعلی. (۱۳۹۳). انگاره‌های زیست‌پذیری رهیافتی نوین جهت ارتقای کیفیت زندگی در جوامع روستایی (مطالعه موردی: شهرستان قم، بخش کهک)، مسکن و محیط روستا، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، شماره ۴۶، صص ۱۲۱-۱۰۸.

غفاری، غلامرضا؛ امید، رضا. (۱۳۸۹). کیفیت زندگی در برنامه‌های عمرانی و توسعه ایران، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، سال ششم، شماره ۳۰ و ۳۱، صص ۳۳-۹.

کهنه‌پوشی، سید هادی؛ جلالیان، حمید. (۱۳۹۲). تأثیر قاچاق کالا بر اقتصاد روستاهای مرزی (نمونه موردی: بخش خاوومیرآباد- مریوان)، جغرافیا و توسعه، دانشگاه سیستان و بلوچستان، دوره ۱۱، شماره ۳۲، صص ۷۵-۶۲.

کهنه‌پوشی، سید هادی؛ عنابستانی، علی‌اکبر. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین فاصله از مرز و میزان درآمد و اشتغال در قاچاق کالا (نمونه موردی: بخش خاوومیرآباد- مریوان)، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، دانشگاه اصفهان، سال چهارم، شماره ۱۵، صص ۲۰-۱.

